

نوحه سرا و تعزیه خوان محله کنه بیست، زندگی اش را صرف ارادت به اهل بیت (ع) کرده است

دل علی اکبر همیشه در کربلاست

راه تجربه

سید محمد عطایی زندگی اش با ارادت به اهل بیت (ع) و خاندان امام حسین (ع) پیوند خورده است. فکر و ذکرش مسجد، حسینیه، زیارت عتبات عالیات و نزدیک کردن دل ها به خاندان اهل بیت (ع) است. علی اکبر چوبی، فعال فرهنگی، نوحه سرا، تعزیه خوان و کارگردان نمایش تعزیه، از چهره های شناخته شده محله کنه بیست (موعود) و محلات این بخش از منطقه ۶ است؛ کسی که مسجد و محله را همانند خانه خودش می داند و برای آن ها وقت و انرژی زیادی می گذارد.



پرداختن به جزئیات تعزیه خوانی

او با دقت و وقت می گذارد و جزئیات نمایش را تمرین می کند؛ مثلاً دو هفته با بازیگر نقش رقیه (س) یا نقش قاسم بن الحسن (ع) تمرین می کند تا دیالوگ هایشان را حفظ کند و بازی اثرگذارتری داشته باشند. او و دوستانش چهار روز قبل از تاسوعا در زمین انتهای موعود ۳۶ یا زمین های چاه مؤمنی محله انصار، گودال قتلگاه و نهر علقمه را می سازند. چندین لایه پلاستیک می کشند و جوی آب درست می کنند تا طبیعی تر به نظر برسد. حتی دو رو بر آن راهم نخل می کارند و اسب ها را با زین و بیراق می آورند تا روایت های کربلا بصری باشد. علاوه بر این با همراهی همسرش بیش از صد دست لباس برای نمایش دوخته اند.

جزئیات برای آقای علی اکبر خیلی مهم است و مثلاً برای طبیعی تر شدن صحنه جنگ، باد و نایلون فریزر که داخل آن بتادین و گرده رخ می ریزند، کیسه خون درست می کنند تا بعد اصابت شمشیر پاره شود و تصویر خون ریزی درست می کنند تا صحنه هر چه بیشتر واقعی شود. کارگردانی آقای علی اکبر آن چنان دقیق و با جزئیات است که چند هزار تماشاچی را متاثر می کند.

حضرت ابوالفضل (ع) را در کنج شبستان ساختیم و وسایل شبیه خوانی، خیمه سوزان و عزاداری را در آن قرار دادیم. ساخت این ماکت ضریح، یک هفته زمان برده است. می خواستم محل نگهداری اشیا هم یادآور قیام کربلا باشد. این ماکت ضریح تنها یک نمونه است. او تعداد زیادی شمشیر، کلاه خود و مشک هم درست کرده است که از آن ها برای مراسم تعزیه خوانی و خیمه سوزان استفاده می کنند.

تصویری سازی عاشورا

آقای علی اکبر در روضه هایش دائم از گودال قتلگاه، نهر علقمه و نخل و نیزه و شمشیر صحبت می کند. حین این روایت ها هم به گفته خودش در تصوراتش، تصاویر دشت کربلا جلوی چشمانش می حاضراست. برای همین دلش می خواسته مردم هم تصویری از حوادث این واقعه داشته باشند. به همین نیت تصمیم می گیرد مراسم شبیه خوانی و خیمه سوزان یا نمایشگاه های مربوط به واقعه کربلا را در این طرف و آن طرف و به خصوص محله موعود برپا کند.

اولین بار سال ۱۳۸۹ مراسم تعزیه و خیمه سوزان را برگزار می کنند؛ برنامه ای که با استقبال خوب شهروندان روبه رو می شود. او می گوید: هر ساله روز عاشورا از صبح تا غروب در زمین های بایر این محله مراسم داریم. مراسمی که با رزم روز عاشورا شروع می شود، به گودی قتلگاه می رسد و هنگام غروب هم خیمه سوزان انجام می شود. در این برنامه حداقل ۲ هزار تماشاچی داریم. خودم راوی این مراسم هستم و نقش بازیگران را بازی گردانی می کنم.

استعدادی خرج ارادت به اهل بیت (ع)

علی اکبر چوبی متولد ۱۳۵۷ است و از سال ۱۳۸۲ وارد محله موعود شده است. کارمند بانک صادرات است، اما وقت آزادش را صرف امور فرهنگی می کند. فعالیت های او به چند دسته اصلی نوحه سرایی، تعزیه خوانی، ساخت وسایل تزئینی و نمایشگاه مذهبی و... تقسیم می شود؛ اما در اصل همگی در مسیر ارادت به اهل بیت (ع) و امام حسین (ع) و یارانش قرار دارد. علی اکبر از چهارده سالگی مداحی و نوحه سرایی را آغاز کرد. پدر بزرگ مادری اش، مرحوم سید حسین صفا، قاری قرآن و مدیحه سرای اهل بیت (ع) بوده است و علی اکبر، این استعداد را از او دارد.

تأسیس هیئت علم دار محله

آقای علی اکبر هیئت علم دار را از سال ۱۳۸۳ در این محله تأسیس می کند. از سال ۱۳۹۰ هم با کمک اهالی پیگیری می کند و در زمین بایری که در کوچه موعود ۳۶ خریداری می کنند، مسجد و حسینیه آقای قمر بنی هاشم (ع) را می سازند. او در حال حاضر رئیس هیئت امنای مسجد و مسئول هیئت علم دار است؛ مکانی که آن را همانند خانه اش دوست دارد. در همه جای مسجد، رد پای از حضور آقای علی اکبر هست؛ مثلاً ماکتی از کُنج ضریح حضرت ابوالفضل (ع) را در گوشه شبستان مسجد و حسینیه آقای قمر بنی هاشم (ع) ساخته است. او می گوید: گوشه ای از ضریح



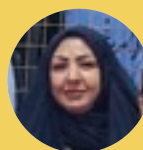
مهربانی آقای علی اکبر زبانزد است

رضاکرمانی، فعال فرهنگی محله موعود، کسی است که آقای علی اکبر را به ما معرفی کرده است. داستان آشنایی این دو نفر به سال ۹۸ برمی گردد. آقای رضانیت می کند که هیئتی برای جوان ها تشکیل بدهد و نیاز به تجهیزاتی مثل زنجیر یا سیستم صوتی داشته است، اما کسی در محله آن ها را در اختیارش قرار نمی دهد. او می گوید: به هر که روزیم، گفت «خدمان مراسم داریم» یا اینکه اعتماد نمی کردند و امانت نمی دادند ولی وقتی سراغ آقای علی اکبر آمدیم، بدون هیچ قید و شرطی ابزار را در اختیارمان قرار داد. همین مهربانی او بود که باعث آشنایی و دوستی بیشترمان شد. آقای رضانی می گوید که به سبب کارهای خیر و عام المنفعه آقای علی اکبر، جمعیت زیادی از محلات محدوده خیابان شهید رجایی و شهید باهنر او را می شناسند.



همسر امام حسین (ع) است

فریبا شیری، همسر آقای علی اکبر، پایه پای شوهرش در امور فرهنگی مشارکت دارد. او بیش از صد دست لباس لشکریان شمر، عمر و امام حسین (ع) را دوخته است. همچنین در تک تک سفرهای زیارتی اربعین، همسرش را همراهی می کند. فریبا خانم در باره خصوصیات شوهرش در ۳۵ سال زندگی مشترک می گوید: بهترین خصوصیت آقای علی اکبر، مهربانی و عشقش به امام حسین (ع) است.



کربلایی شدن هم محلی ها در اربعین

شانزده سال است که آقای علی اکبر به صورت مداوم همراه با همسر و خانواده به پیاده روی اربعین و زیارت امام حسین (ع) می روند. او حیفش آمد که در این سفر هم محلی ها همراهش نباشند. برای همین هشت سال پیش گروهی راه انداخت و هر ساله با تعدادی از هم محلی ها به این زیارت می روند. سامان دهی کار این طور است که هر زوج هم محلی که با ماشین شخصی خودشان تا مرز می روند، به توصیه آقای علی اکبر، سه هم محلی را با خودشان می برند. او می گوید: آنجا هم مترجمی و ارتباط با عراقی ها را بر عهده دارم و در کربلا هم یک دوست شیعه عراقی دارم به نام دکتر علی بغدادی که هر ساله خانه اش را در اختیار گروه هم محلی های ما می گذارد. به برکت این مسجد و نیتی که برای زیارت اربعین داشتیم، در حال حاضر چند صد نفر کربلایی شده اند؛ در صورتی که قبل از آن، تعداد کربلایی های محله انگشت شمار بود.